

۹ از سفر اروپا تا فتوای سامرا

در نیمه‌دوم قرن ۱۴ خورشیدی، فساد در دربار قاجار و استبداد مطلق دستگاه حاکم پرخاش عمومی را به دنبال داشت، واقعیات ملموس جامعه نارضایتی‌هایی در پی داشت، مردم اوضاع را وخیم دیدند و شروع به اعتراض کردند. گاه افرادی که زمانی جیره‌خوار دربار بودند اعتراض می کردند و گاه پیشنازانی چون سیدجمال اسدآبادی با خطابه‌های خود دربار را به وحشت می‌انداختند. اما عکس‌العمل دستگاه حاکم در مقابل چنین جریاناتی سرکوب و ستیزه بود. هیات حاکم با بایی و دهری خواندن معترضان آنها را از میدان خارج و حق هرگونه فعالیت را از آنها سلب می کرد.

اما این اعتراضات که تا قبل از این شکل عمومی به خود نگرفته بود، در نهضت تنباکو جدی شد و به بار نشست. مقدمات واگذاری امتیاز تنباکو در سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا فراهم و پس از بازگشت او اجرایی شد. دولت انگلستان از مدت‌ها قبل برای توتون و تنباکوی ایران دندنان تیز کرده بود و از همان آغاز ورود شاه به لندن مازور تالیبوت را مامور پذیرایی از هیات ایرانی کرد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که تالیبوت از مدت‌ها قبل با همکاری سفیر انگلستان در ایران و میرزاملکم‌خان در جریان بسیاری از مسائل ایران قرار داشت. به هر حال در همین سفر بین ناصرالدین‌شاه و تالیبوت توافق شد. تالیبوت هم با حمایت دولت بریتانیا و مشارکت سرمایه‌داران انگلیسی شرکت «رژی» را راه‌اندازی کرد تا بتواند تحت نام این شرکت ماموریت خود در خاک ایران را به‌خوبی انجام دهد.

چند ماه پس از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر اروپا، تالیبوت به تهران سفر کرد. «زمانی که تالیبوت وارد تهران شد، ورود او را تا چند روز مکتوم نگه داشتند. تنها چند نفر از جمله دراموندولف [سفیر انگلستان در ایران] و امین‌السلطان از ورود وی اطلاع داشتند. جلساتی چند در سفارتخانه انگلیس و امین‌السلطان برگزار شد. زیر و بالای امتیازنامه بررسی و بالاخره توسط امین‌السلطان به حضور شاه برده شد تا امضا شود.» مقاومت شاه برای امضا نکردن قرارداد تا آنجا ادامه داشت که پای ۲۵هزار لیره هدیه شاهانه به میان آمد. همین کافی بود تا پایین قرارداد به امضای ملوکانه مهپور شود. بنابراین در بهمن ۱۲۶۹ امتیاز توتون و تنباکوی ایران به مدت ۵۰ سال در اختیار تالیبوت و شرکای او قرار گرفت.

هیات هم‌راه هنری تالیبوت را تا ۲۰۰هزار نفر روایت کرده‌اند. حتی اگر این عدد واقعی نباشد، مجموع روایات خبر از کثرت آنها می‌دهد. در این گزارش مجال شرح مفاد قرارداد نیست، اما اجمالا می‌توان گفت که امتیازنامه رژی ماهیتی استعماری داشت که بخشی از اقتصاد کشور را به انگلستان واگذار می کرد.

پس از انعقاد قرارداد، تالیبوت ماموریت خود را آغاز کرد. مطابق آنچه دولت بریتانیا برنامه‌ریزی کرده بود، قرارداد تالیوت تنها یک پیمان اقتصادی نبود. هدف آنها یک استراتژی سیاسی-اقتصادی آمیخته به جریان فرهنگی بود. مستشاران انگلیسی در شهرهای مختلف پراکنده شدند و هرجا که سکنی گزیدند، بساط عیش خود را نیز به راه‌انداختند. تاسیس کلیسا، تدارک مجالس فساد، ترویج بی‌جبابی، شرب خمر و... از جمله اقدامات عوامل شرکت رژی بود که مردم را خیلی زود به خشم آورد. علاوه‌بر این، اجحافات شرکت انگلیسی و عواملش در مواجهه با کشاورزان سبب شد که اعتراضات مردم روزبه‌روز گسترش یابد، تبدیل به پرخاش شود و درنهایت هم آنچه شاه از آن هراس داشت یعنی یک قیام ملی به وقوع پیوست.

عوامل مختلفی در تبلور جنبش تنباکو به شکل یک قیام ملی موثر افتاد؛ از جمله پیوند بین نیروهای درون جامعه که از آن به‌عنوان بسیج همگانی یاد می‌شود. نیروهایی که تا قبل از نهضت تنباکو مجالی برای هم‌دلی و هم‌صدایی نداشتند

افزون بر این فایده یک رهبری منسجم بودند در این برهه حکومت قاجار در کنار هم قرار گرفتند و نتیجه آن شد که در تاریخ به ثبت رسیده است. آنچه می‌خوانید برخی عوامل شکل‌گیری و موفقیت نهضت تنباکو است که مرور آن با توجه به احوال امروز جامعه ایران خالی از ضرورت نیست.

۹ پیشسازی مطبوعات

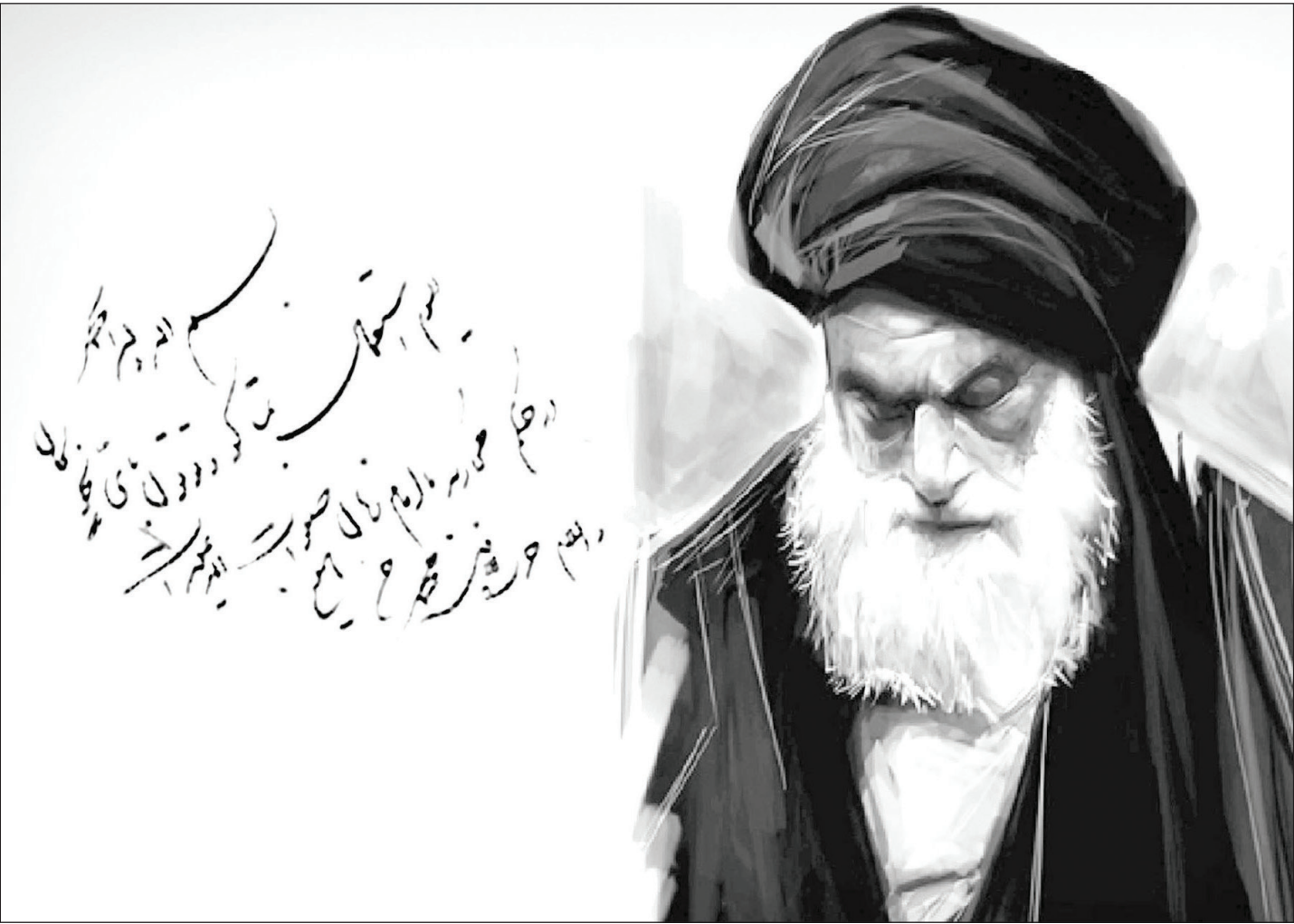
برخی روزنامه‌ها در ابتدا که وارد ایران شدند، به فکر منافع مردم بودند و صاحبان اندیشه معمولا قلم را جز به جهت احقاق حقوق

عامه نمی‌چرخاندند. بر این اساس رابطه بین مطبوعات و بدنه اجتماعی وضع خوبی داشت و روزنامه‌های آن روز ظرفیت جریان‌سازی داشتند. اولین رزمه‌های افشاگرانه درباره امتیازنامه رژی یا همان قرارداد توتون و تنباکو از مطبوعات آن زمان برخاست. روزنامه «آختر» که توسط جمعی از به‌اصطلاح روشنفکران وقت از جمله آقاخان کرمانی، علی محمد کاشانی و دیگران در استانبول اداره می‌شد، از قرارداد بین دولت ایران با یک شرکت انگلیسی خبر داد و آن را به باد انتقاد گرفت. این روزنامه طی دو مقاله در دو مرحله، دولت ایران را از انعقاد چنین قراردادی بر حذر داشت، در مقاله اول که بعد از بازگشت ناصرالدین‌شاه از سفر اروپا نوشته شد، صاحب قلمی این‌طور نوشت

حافظه

«نهضت تنباکو»، سرآغاز بیداری مردم و قیام علیه استقلال‌فروشی شاهان به رهبری میرزای شیرازی

مرجعیت دینی، ناجی منافع ملی



ایران از دیرباز یکی از مقاصد مهم استعمارگران بوده و قدمت حضور بیگانگان در این سرزمین به چند صد سال می‌رسد. بریتانیا از مهم‌ترین دولت‌های خارجی است که سال‌ها ایران را زیر نفوذ داشته و ثروت‌های لایتناهی این سرزمین را با شیوه‌های مختلف به یغما برده است. به‌طور مشخص، پس از تاسیس سفارت بریتانیا در ایران به سال ۱۸۰۰ میلادی، حضور نیروهای انگلیسی در خاک کشور رسمیت و رواج یافت و به تدریج نفوذ آنها در کشور به اوج خود رسید. به‌ویژه در اواخر سلطنت قاجاریان، بریتانیا قدرت شماره یک در ایران بوده و تصمیم‌نهایی درباره مسائل مختلف به اذن مستشاران این دولت گرفته می‌شد. بخش قابل توجهی از دخالت بریتانیا در امور داخلی ایران از طریق شرکت‌ها یا به اصطلاح آن روز کمپانی‌های اقتصادی انجام می‌شد. رویه‌ای که دولت انگلستان در هند به‌واسطه فعالیت «کمپانی هند شرقی» و به بهانه همکاری‌های اقتصادی پیش گرفته و از این طریق آن سرزمین بزرگ و ثروتمند را به بند استعمار و استثمار کشیده بود.

گذشته از نقش انگلستان در انعقاد قراردادهای ننگین ترکمنچای و گلستان، در امتیازنامه «رویتر» که مطلقاً یک قرارداد استعماری بود، دولت بریتانیا با معرفی یک یهودی انگلیسی به نام «جولیوس دو رویتر» به‌عنوان طرف قرارداد با دولت ایران، خود را در پس پرده پنهان کرد. اما برخی بندهای این قرارداد

آنچنان یکجانبه به سود انگلستان بود که خیلی زود نقش دولت انگلستان در آن پیدا شد. چنانکه صدای «لرد کرزن» هم در این رابطه بلند شد که «این امتیاز، بخشیدن یکپارچه تمام منابع صنعتی یک کشور است که همانند آن تا امروز در هیچ مستعمره‌ای داده نشده است.» این قرارداد به مرحله اجرا نرسید اما شروعی بود برای نفوذ هر چه بیشتر انگلستان. به‌خصوص پس از آغاز رشته سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا که هر بار رفت‌وآمد او عوارضی عمدتاً به ضرر ممالک محروسه ایران زمین به دنبال داشت.

اوج امتیازگیری انگلستان از ناصرالدین‌شاه دریافت حقوق انحصاری در رابطه با توتون و تنباکوی ایران بود. سیر تکوینی این قرارداد آنچنان رقم خورد که درنهایت منجر به شکست دولت بریتانیا و عوامل داخلی آن-که اغلب از طبقه روشنفکران بودند- شد، اما طی این فرآیند حوادثی شکل گرفت که بر تاریخ ایران زمین تأثیر بسیار داشت. انعقاد این قرارداد منجر به تشکیل یک جریان ملی علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی شد که «نهضت تنباکو» نام گرفت و این حرکت، خود سرآغاز یک نهضت بزرگ‌تر به نام مشروطه‌خواهی شد. اگر چه نهضت مشروطه با دخالت انگلیسی‌ها شکست خورد، اما روایت و بررسی «نهضت تنباکو» حامل پیام‌هایی است که می‌تواند تحلیل جامعی از سیر تکوینی تاریخ معاصر و نقش روشنفکران، روحانیون، مردم و... به دست دهد. آنچه می‌خوانید مروری بر تاریخ «نهضت تنباکو» و بررسی عوامل موفقیت آن در مواجهه با استبداد و استعمار است.

می‌شود و به قول معروف یک دست صدا ندارد، البته معکوس این قاعده هم صادق است؛ اتحاد ملی و انسجام میان مردم در غیاب روحانیت یا ممکن نیست یا اگر هم ممکن باشد، نتیجه مفیدی به همراه ندارد. اینها نه مجموعه‌ای از انتزاعیات، بلکه تجربه زیسته چند صد سال اخیر در ایران است که جایگاه و نقش اربابان دین در آن به‌خوبی قابل مشاهده است. از همین نهضت تنباکو و بعد از جریان مشروطه گرفته تا نهضت ملی، قیام ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی ایران، همگی حاصل پیوند روحانیت با اقشار مردم بوده است. از این منظر، در ۱۰۰ سال اخیر هرجا که ضعفی در امر مبارزه مشاهده شده بر اثر اختلاف بین روحانیت و مردم بوده که یا دسیسه خارجی در کار بوده یا دستگاه تبلیغاتی در داخل این پیوند کارساز را هدف قرار داده است، نظیر آنچه در جریان مشروطه‌خواهی و در ماجرای نهضت ملی شدن صنعت نفت به واسطه توطئه خارجی اتفاق افتاد.

۹ رهبری مرجعیت دینی

اولین‌بار در دوره فتحعلی‌شاه بود که علما به صورت آشکار علم مبارزه علیه باطل را در دست گرفتند و مردم را به حمایت از حکومت، علیه استعمار روسیه شورانند. اما نفوذ تدریجی بیگانگان در دربار، مشروعیت نصفه و نیمه قاجاریان را به کلی از بین برد و از آن پس علما و روحانیون، اقشار مردم را به مبارزه علیه دولت فاسد قاجار فراخواندند. به‌خصوص در دوره ناصرالدین‌شاه علما و روحانیون جایگاه ویژه‌ای نزد مردم پیدا کردند. چه در این دوره علما در صف اول مبارزه علیه ستم حکومت قاجار بر مردم قرار گرفتند

و منازل آنها پایگاه تحصن مظلومان و ستم‌دیدگان شد. از این زمان به بعد عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باعث تعمیق خصومت میان علما و حکومت قاجار و شکوفایی اسلام سیاسی شد. این تقابل نخستین‌بار در زمان صدارت میرزااحسین‌خان سپهسالار و در جریان انعقاد قرارداد رویتر در سال ۱۲۵۱ به‌طور جدی اتفاق افتاد. پس از انعقاد این قرارداد، روحانیون محلی علیه دولت قاجار قیام کردند و لغو آن را خواستار شدند. این اعتراضات به رهبری «میرزاصالح داماد» و «ملاعلی کنی» به راه افتاد که سرانجام باعث عقب‌نشینی ناصرالدین‌شاه از اجرای این پیمان شد. اما اوج مقابله روحانیون با استبداد دولت قاجار در جریان معاهده رژی بود که نهضت ملی تنباکو را به دنبال داشت. پس از آگاهی اقشار مردم از ماهیت استعماری امتیازنامه رژی، اعتراضات علیه حکومت وقت روزبه‌روز گسترش یافت. روحانیون برجسته در جمع مردم و کسبه بازار به سخنرانی پرداختند و انتقادات تندى را متوجه حکومت قاجار کردند. از جمله سیدجمال‌الدین اسدآبادی که به واسطه اعتراضات علنی و شوراندن مردم علیه حکومت از کشور اخراج شد و هم او بود که در زمان تبعید، به زعيم وقت شیعه نامه نوشت و اقدام مقتضی را از او خواستار شد. در کنار او امثال شیخ فضل‌الله نوری در تهران و میرزاواد تبریزی در تبریز و سایر علما و روحانیون در شهرهای مختلف کشور، رهبری اعتراضات را به دست گرفتند و فشار علیه دولت را به حداکثر رساندند.

در بحبوحه این اعتراضات بود که شایعه حکمی از طرف میرزای شیرازی تهران را فراگرفت. اگر چه این شایعه اصل و ماخذ درستی نداشت به هر حال اثر خود را گذاشت و امید در دل‌ها آفريد و «مسلمانان همگی دل در امید صدق این شایعه بستند و در انتظار آن هفته‌ای نشستند.» ظاهراً به دلیل بدی آب‌وهوا خبر فتوا با یک هفته تأخیر به تهران رسید اما بالاخره رسید. متن فتوا در تمام بازار و مساجد نصب شد و با صدای بلند برای مردم خوانده شد. این فتوا آنچنان در مردم اثر کرد که تقریباً کسی در کشور نماند که از آن تمکین نکند. همه گوش به فرمان میرزا تا لغو امتیازنامه از طرف شاه، دست به چپق‌ها و قلیان‌ها نزدند. حتی اطرافیان و زنان شاه هم از کشیدن قلیان خودداری کردند و در جواب ناصرالدین‌شاه که پرسیده بود چه کسی کشیدن قلیان را حرام کرده است، گفتند: «همان کسی که شما را به ما حلال کرده!»

اما متن فتوای میرزای شیرازی، زعيم وقت شیعه که در سامرا مستقر بود، به تعبیر امام خمینی یک نسخه جمله بود. عبارتی بسیار کوتاه با این مضمون: بسم‌الله الرحمن‌الرحیم. الیوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان در حکم محاربه با امام‌زمان (عج) است.» نفوذ کلمه و قدرت یک مرجع دینی در جامعه آن روز چنان بود که همین عبارت کوتاه در عرض چند روز به عمر یک امتیازنامه تجاری پایان داد.

نهضت تنباکو آغاز یک مسیر تاریخی در سرنوشت ایران بود. روشن شدن چرآج اسلام سیاسی و احیای دین به دست علمای شیعه و با حمایت مردم، مسیر را برای حرکت‌های بعدی هموار کرد. انقلاب مشروطه که یکی از جدی‌ترین حرکت‌های ملی علیه استبداد محسوب می‌شود به پیشسازی علما اتفاق افتاد. در این باره احمد کسروی، یکی از سرسخت‌ترین مخالفان دین و روحانیت نوشته است: «این نکته را نباید فراموش کرد که مشروطه را در ایران علماً پدید آورده‌اند... آنچه مشروطه را نگه داشت، پافشاری مردانه بهمهانی و طباطبایی و آخوند خراسانی و حاج شیخ مازندرانی بود. اینان با فشارهایی که دیدند و زبان‌هایی که کشیدند از پشتیبانی مجلس و مشروطه‌بازانایستادند و آن را نگه داشتند.» همین‌طور در جریان نهضت ملی این آیت‌الله کاشانی بود که پیشاپیش سایرین حرکت و توده مردم را با خود همراه کرد و به محض رویگردانی این جریان از او، عمر یک قیام ملی به پایان رسید. سرآمد همه جریان‌های ضداستعماری البته جریان انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی بود که اوج پیوند مردم و روحانیت بود. در جریان این قیام ملی پیوند این دو نهاد آنچنان عمیق شد که همه قدرت‌ها را یکی پس از دیگری از پیش‌رو برداشت. در جریان این انقلاب بود که دشمن بار دیگر قدرت پیوند روحانیت و مردم را از نزدیک لمس کرد و از آن پس جهت تضعیف این نیروی عظیم به کلی روی گسستن این پیوند متمرکز شد.

نتایج حاصل از جنبش ملی تنباکو نشان داد که هر گاه علما و مردم دست در دست هم بگذارند، هیچ قدرتی را یارای پیروزی بر آنها نیست. این موضوع آنچنان مسلم است که بعد از این جریان هرگاه دولت‌های استعماری قصد نفوذ در ایران را داشتند، چاره را تنها در جدایی این دو نهاد دیدند و ابتدا سعی کردند میان مردم و علما فاصله بیندازند.

این اقدام البته از دو مسیر قابل پیگیری است؛ یا از طریق اخلال در عملکرد روحانیون که نتیجه آن بی‌خبری آنها از مصائب و مسائل مردم و طرد آنها از جامعه است یا تحریب چهره روحانیت از طریق دستگاه‌های عظیم تبلیغاتی که آن هم منجر به گسست میان مردم و علمای دین می‌شود.

نتایج حاصل

از جنبش ملی تنباکو نشان

داد که هر گاه علما و مردم

دست در دست هم بگذارند

هیچ قدرتی را یارای پیروزی

بر آنها نیست. این موضوع

آنچنان مسلم است که بعد از

این جریان هرگاه دولت‌های

استعماری قصد نفوذ در

ایران را داشتند، چاره را

تنها در جدایی این دو نهاد

دیدند و ابتدا سعی کردند

میان مردم و علما فاصله

بیندازند